

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء س

دوره ۵، شماره ۲

تابستان ۱۳۸۸

صص ۷۹-۱۰۲

بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه

دکتر سهیلا هاشمی*

استادیار دانشگاه مازندران

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه دانشگاه مازندران انجام شده است.

ابزار پژوهش آزمون هوش هیجانی بار - آن، آزمون خلاقیت هیجانی آوریل و مقیاس رفتار اندیشه پردازری رانکو بوده است که در یک نمونه ۱۸۳ نفری از دانشجویان فوق‌الذکر دانشگاه مازندران اجرا شد. داده‌های حاصل از طریق آزمون تحلیل واریانس (ANOVA)، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد.

نتایج پژوهش حاکی از نبود تفاوت معنی‌دار دانشجویان گروه‌های تحصیلی مورد پژوهش در هوش هیجانی و خلاقیت بوده است، اما در خلاقیت هیجانی میان دانشجویان گروه هنر با دانشجویان گروه ادبیات و علوم پایه تفاوت معنی‌دار وجود داشت. نتایج مرتبط با همبستگی نیز حاکی از همبستگی ضعیف بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی، فقدان همبستگی هوش هیجانی و خلاقیت و همبستگی متوسط خلاقیت هیجانی و خلاقیت بوده است.

تحلیل رگرسیون خلاقیت بر هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی حاکی از رگرسیون خلاقیت بر خلاقیت هیجانی بوده است و بررسی یافته‌ها نمایانگر دخالت فرآیندهای ذهنی متفاوت - تفکر همگرا، تفکر واگرا - در هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی و خلاقیت می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی، خلاقیت

مقدمه

انسان‌ها در عین آنکه موجوداتی عقلانی هستند و خصائل هیجانی نیز دارند که این ویژگی، آن‌ها را به موجودی هیجانی نیز تبدیل کرده است. سال‌ها در فرهنگ‌های مختلف به واسطه سنت‌ها و قواعد مرسوم، عمل کردن براساس هیجان‌ها مذموم شمرده می‌شده است؛ زیرا این باور وجود داشته است که هیجانها منشاء خشونت و ددمنشی هستند و این ویژگی با فرآیندهای عالی تفکر همچون هوش در تضاد هستند، اما امروزه روان‌شناسان با طرح مفهوم هوش هیجانی^۱ سعی داشته‌اند این موضوع را روشن کنند که دو مقوله هوش و هیجان در تقابل با یکدیگر نیستند. (آوریل^۲، ۲۰۰۷).

هوش هیجانی بر حسب الگوی مهارت‌مدار^۳ سالووی و مایر^۴ (۱۹۹۷) به نقل از براکت و کاتالاک^۵، (۲۰۰۷) به عنوان توانایی ادراک درست هیجانانگ، استفاده از هیجانانگ در آسان‌سازی تفکر^۶، درک هیجانانگ^۷ و تنظیم هیجانانگ^۸ در خود و دیگران در نظر گرفته شده است.

بارآن^{۱۰} (۱۹۹۷) به نقل از هدلاند و استرنبرگ^{۱۱}، (۲۰۰۰) در الگوی خود مفهوم هوش هیجانی را بسیار گسترده‌تر تعبیر و تفسیر کرد. او هوش هیجانی را به عنوان توانایی‌های غیرشناختی^{۱۲}، دانش و شایستگی‌هایی می‌داند که شخص را قادر می‌کند به طور موفقیت‌آمیزی با شرایط مختلف زندگی انطباق یابد. بارآن پنج حوزه شایستگی را برشمرده است که می‌تواند

1. Emotional Intelligence
2. Averill
3. Skill-based
4. Salovey & Mayer
5. Brackett & Katulak
6. Perception of emotion
7. Use of emotion to facilitate
8. Understanding of emotion
9. Management of emotion
10. Bar-On
11. Hedlund & Sternberg
12. Non-Cognitive

معادل ظرفیت‌های هوش هیجانی باشد: ۱) مهارت‌های درون فردی^۱ که خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، خود تنظیمی، خود شکوفایی و استقلال را شامل است، ۲) مهارت‌های میان فردی^۲ که روابط بین فردی، مسئولیت و تعهد اجتماعی و همدلی را شامل است، ۳) مهارت انطباقی^۳ که مسأله گشایی، واقع‌گرایی یا آزمون واقعیت و انعطاف‌پذیری را شامل است، ۴) کنترل فشار روانی^۴ که توانایی تحمل فشار روانی و کنترل تکانه‌ها را دربرمی‌گیرد و ۵) خلق عمومی^۵ که شادمانی و خوش‌بینی را شامل است. بنابراین، هیجان‌ات با ارزیابی جنبه‌های مثبت و منفی موقعیت، هماهنگی پاسخ‌های مناسب تحت شرایط استرس‌زا همراه هستند. براساس برداشت کنونی از هوش هیجانی (مایر و همکاران، ۲۰۰۴) هیجان‌ات منابع اطلاعاتی مستقلی هستند که هوش براساس آن‌ها عمل می‌کند.

آوریل (۲۰۰۷) معتقد است افراد باهوش هیجانی باورها و قواعدی را درک می‌کنند، که یک هیجان را معنی‌دار می‌کند و قادر هستند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. اگر پاسخ ارائه شده در تطابق با باورها و قواعد فرهنگی باشد، مؤثر بودن^۶ و همین‌طور «هوشمند»^۷ بودن آن محتمل است. به این سبب، هوش هیجانی یک مؤلفه همگرا^۸ می‌باشد یعنی همگرایی به سمت آنچه که مورد پذیرش فرهنگ است. علاوه بر این دو پیامد دیگر نیز ممکن است: یک پاسخ یا رخداد هیجانی می‌تواند از سنت و قاعده مرسوم فاصله گیرد که در این شرایط می‌توان به نوعی واگرایی^۹ در ارائه پاسخ اشاره کرد. اگر این واگرایی دربرگیرنده نوعی پاسخ غیرسازنده و منفی باشد می‌تواند روان‌نژند^{۱۰} تلقی شود، ولی اگر دربرگیرنده پیامدهای مثبت برای خود و دیگران باشد حتی در صورت انحراف از هنجارها

1. Intrapersonal
2. Interpersonal
3. Adaptability
4. Stress management
5. General mood
6. Effective
7. Intelligent
8. Convergent
9. Divergent
10. Neurotic

به عنوان یک پاسخ و رخداد هیجانی خلاق^۱ شناخته خواهد شد.

بنابراین، موازی با مفهوم هوش هیجانی، به خلاقیت هیجانی^۲، به عنوان حیطه‌ای جدید در بحث تعامل هیجان و شناخت توجه می‌شود. خلاقیت هیجانی توانایی تجربه و بیان بدیع^۳، مؤثر و اصیل^۴ ترکیبی از هیجان است (آوریل و توماس نولز^۵، ۱۹۹۱). به نظر می‌رسد مفهوم خلاقیت هیجانی جمع اضداد است. خلاقیت اغلب تجلی و نمایش بیان آزاد است و در میان فرایندهای عالی تفکر در بالاترین سطح قرار دارد، در مقابل هیجان‌ات اغلب تجلی برانگیختگی‌های درونی افراد است به گونه‌ای که فرد را در ارائه پاسخ محدود می‌کند. دیدگاه متداول در زمینه هیجان‌ات بیشتر بر این باور است که این پاسخ‌های اولیه زیستی هستند و توسط سیستم عصبی خود مختار و بازنمایی‌های سیستم لیمبیک^۶ کنترل و تعدیل می‌شوند. اگر چه این برداشت سنتی از هیجان جایگاه خود را از دست داده است، اما هنوز تأثیر ظریف و قوی خود را به خصوص درباره هیجان‌های اولیه (پایه) اعمال می‌کند. همانطور که کالینگوود^۷ (۱۹۵۵) به نقل از گات بزال^۸ و آوریل، (۱۹۹۶) اظهار می‌کند، تجربه هیجانی از پیش شکل گرفته نیستند، بلکه طی فرآیند بیان، کشف می‌شود. به علاوه فرآیند بیان در معرض تغییر خلاق است و این امر به استعدادهای شخصی فردی که هیجان را تجربه می‌کند و مقتضیات موقعیتی بستگی دارد.

آوریل (۱۹۹۹) به نقل از فوکس^۹ و همکاران، (۲۰۰۷) بیان می‌کند، پاسخ‌های هیجانی خلاق درجه‌ها و انواع گوناگون دارند: در پایین‌ترین سطح، خلاقیت هیجانی کاربرد مؤثر هیجان‌ات موجود پیشین را شامل است، که در یک فرهنگ مورد پذیرش و متداول است. در سطح پیچیده‌تر بعدی این پاسخ‌ها مشتمل بر تعدیل و تغییر هیجان استاندارد است. به منظور آنکه نیازهای فرد یا گروه را بهتر تأمین کند و در بالاترین سطح شامل شکل‌گیری و رشد شکل

-
1. Creative
 2. Emotional creativity
 3. Novel
 4. Authentic
 5. Thomas – Knowles
 6. Limbic
 7. Collingwood
 8. Gutbezahl
 9. Fuchs

جدیدی از هیجان براساس تغییر در باورها و قواعدی است که براساس آن هیجان‌ها شکل می‌گیرند و استوار می‌شوند. هر چند هوش هیجانی و خلاقیت هر دو هیجان‌ها و هوش را، به طریقی سودمند برای فرد، با هم ترکیب می‌کنند، اما در فرآیندهای شناختی که برمی‌انگیزند و ملاک‌های به کار گرفته شده برای اندازه‌گیری آن‌ها با هم تفاوت دارند. در حالیکه هوش هیجانی مستلزم توانایی تحلیلی^۱ و همگرایی به سمت بهترین پاسخ به یک مسئله هیجانی است، خلاقیت هیجانی مستلزم توانایی رها شدن از واکنش‌های هیجانی معمول و خلق واکنش‌های بدیع است. مطالعات، هر چند بسیار اندک، در این زمینه نشان داده است، هوش هیجانی تا اندازه‌ای باهوش کلامی در ارتباط است و با روابط اجتماعی مطلوب همبستگی بالا و مستقیم و با سوء مصرف مواد، الکل و پرخاشگری رابطه معکوس دارد (براکت و همکاران ۲۰۰۴ به نقل از ایوچویک^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، خلاقیت هیجانی به میزان زیادی با تجربه‌های گوناگون هیجانی و خلاقیت در تکالیف آزمایشگاهی مرتبط است، که مستلزم بیان هیجان‌ها می‌باشد و باهوش شناختی همبستگی چندانی ندارد (گات بزال و آوریل، ۱۹۹۶).

ایوچویک و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند دو توانایی هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی تقریباً ناهمبسته هستند. هوش هیجانی مستلزم تفکر همگرا در حل مسائل هیجانی است، در حالیکه خلاقیت هیجانی مستلزم فرآیند تفکر واگرا و خلق پاسخ‌های مناسب و در عین حال اصیل است. این یافته‌ها به نوعی در راستای مطالعه آوریل (۱۹۹۹) در خصوص مقایسه خلاقیت هیجانی با پنج صفت بزرگ شخصیت^۳ (NEO) می‌باشد. آوریل در مطالعه خود دریافت نمره کل ECI^۴ با انعطاف‌پذیری یا گشودگی^۵ نسبت به تجربه‌های جدید همبستگی بالا و با دلپذیر بودن^۶ همبستگی نسبتاً پایینی دارد.

آوریل (۱۹۹۹) بیان می‌کند، به نظر می‌رسد رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی با

-
1. Analytical
 2. Ivcevic
 3. Big five personality Traits
 4. Emotional Creativity Inventory
 5. Openness
 6. Agreeableness

رابطه بین هوش شناختی و خلاقیت^۱ منطبق است. پژوهش‌های تجربی از این فرض حمایت می‌کنند که هوش شناختی و خلاقیت سازه‌های مجزایی هستند. از یک منظر خلاقیت دربرگیرنده جنبه‌های ترکیبی، تحلیلی و عملی هوش است، اما در عین حال به دلیل محدود نشدن به کارکرد و رفتار شناختی یا ذهنی و مرتبط بودن با ترکیبی از شرایط انگیزشی، عوامل شخصیتی، شرایط محیطی، شانس و حتی فرآورده‌ها از هوش متفاوت و مستقل است (استرنبرگ و اهارا^۲، ۱۹۹۹). بدین ترتیب این فرض قوت می‌گیرد که هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی باید به عنوان سازه‌هایی مجزا در نظر گرفته شوند، که فقط همبستگی ضعیفی باهم دارند. (ایوچویک و همکاران، ۲۰۰۷).

فیست و رانکو^۳ (۱۹۹۳) به نقل از گات بزال و آوریل، (۱۹۹۶) در مروری بر ادبیات خلاقیت طی یک دوره ۲۳ ساله در فاصله سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۸۹ دریافتند، از ۳۱ موضوع مطالعاتی در این زمینه هیجان در رتبه سی‌ام قرار گرفته است. در حالیکه یافته‌های مرتبط با مطالعات نظری و پژوهشی در خصوص خلاقیت، بر هیجان‌ها همراه با تلاش‌های خلاق و پیامدهای هیجانی خلاقیت تأکید دارند. پالفای^۴ و سالووی (۱۹۹۳) و ایسن^۵ (۱۹۹۹) معتقد هستند توانایی‌های هیجانی می‌تواند با خلاقیت مرتبط باشد. هوش هیجانی شخص را قادر می‌کند از روابط بین خلق و عملکرد آگاه شود و تلاش‌های خود را به سمت فعالیت‌هایی هدایت کند، که بهترین وضعیت هیجانی را موجب می‌شود. همچنین هوش هیجانی شخص را قادر می‌کند خلق مثبت را حفظ و آن را افزایش دهد که همین امر می‌تواند به طور غیرمستقیم فرد را در فرایند تفکر خلاق درگیر کند. (ایوچویک و همکاران، ۲۰۰۷).

با توجه به درهم تنیدگی هیجان و شناخت در کارکردهای شناختی و اجتماعی افراد و اهمیت هیجان در تلاش‌های خلاق و همچنین محدود بودن مطالعات در این زمینه، در این پژوهش قصد بر این است: (۱) رابطه هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی و (۲) ارتباط هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی با خلاقیت بررسی شود.

1. Creativity
2. O'hara
3. Feist & Runco
4. Palfai
5. Isen

- در راستای اهداف فوق، این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:
- ۱) آیا میان دانشجویان رشته‌های هنر، ادبیات و علوم پایه در هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت تفاوت وجود دارد؟
 - ۲) آیا بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه وجود دارد؟
 - ۳) هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی چه مقدار از خلاقیت را تبیین می‌کنند؟

روش پژوهش

از آنجا که در این پژوهش رابطه بین هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت بررسی می‌شود، پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

آزمودنی‌ها

جامعه پژوهش کلیه دانشجویان (زن و مرد) رشته‌های هنر (معماری، صنایع دستی، شهرسازی)، ادبیات (انگلیسی و فارسی) و علوم پایه دانشگاه مازندران است که در هنگام پژوهش دو سال سابقه تحصیل در رشته تحصیلی خود را داشتند. فیست (۱۹۹۹) بیان می‌کند علاوه بر حیطه هنر، حیطه‌های ادبیات و علوم (پایه) برای بروز خلاقیت‌ها بستری مناسب است.

از آنجا که در برآورد همبستگی حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان رابطه ضروری است (دلاور، ۱۳۸۰) در این پژوهش مبنای انتخاب تعداد نمونه ۵۰ نفر لحاظ شد با توجه به آنکه احتمال افت آزمودنی‌ها وجود داشته است از هر گروه تحصیلی ۷۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. به دلیل افت آزمودنی‌ها، در هر گروه تعداد آزمودنی‌ها از ۶۱ تا ۶۵ مورد در نوسان بوده است. لذا به منظور داشتن تعداد مساوی از آزمودنی‌ها در هر گروه مبنای ۶۱ نفر قرار داده شد. بدین ترتیب نمونه از ۲۱۰ نفر به ۱۸۳ نفر ۳۷ مرد، ۱۴۱ زن، ۵ مورد نامشخص کاهش پیدا کرد.

ابزار پژوهش

۱- آزمون هوش هیجانی بار - آن

آزمون هوش هیجانی بار آن ۹۰ سؤال دارد، که ۵ حیطه اصلی مهارت درون فردی، مهارت میان فردی، مهارت انطباقی، کنترل فشار روانی، خلق عمومی را از طریق ۱۵ خرده مقیاس زیر می‌سنجد:

- ۱- خودآگاهی هیجانی، ۲- ابزار وجود، ۳- عزت نفس، ۴- خودشکوفایی، ۵- استقلال، ۶- همدلی، ۷- مسئولیت پذیری، ۸- روابط بین فردی، ۹- آزمون واقعیت (واقع گرایی)، ۱۰- انعطاف پذیری، ۱۱- حل مسأله، ۱۲- تحمل فشار روانی، ۱۳- کنترل تکانه، ۱۴- خوش بینی، ۱۵- شادمانی

پرسش‌های آزمون در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۵ (کاملاً موافق) تا نمره ۱ (کاملاً مخالف) و برای سؤال‌های با محتوای منفی از نمره ۱ (کاملاً موافق) تا نمره ۵ (کاملاً مخالف) تنظیم شده‌اند.

از مجموع خرده مقیاس‌ها در هر مؤلفه، نمره کل هر مؤلفه محاسبه می‌شود و از جمع کل نمره‌ها در ۱۵ خرده مقیاس نمره کل هوش هیجانی حاصل می‌شود.

سموعی و همکاران (۱۳۸۳) به نقل از امینی‌ها، (۱۳۸۴) در هنجاریابی این آزمون بر نمونه دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی (۵۰۰ نفر) در طیف سنی ۱۸ تا ۴۰ سال ضریب پایایی ۰/۹۳ را گزارش کردند. دهشیری (۱۳۸۲) به نقل از همان (در هنجاریابی آزمون بر نمونه‌ای از دانشجویان شهر تهران (۵۲۰ نفر) پایایی آزمون را ۰/۷۳ گزارش کرد. پایایی آزمون در مطالعه برندک (۱۳۸۳) به روش محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد و در مطالعه حاضر نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی ۰/۷۱ برای کل آزمون و برای هر یک از خرده آزمون‌های مهارت درون فردی، بین فردی، انطباقی، کنترل فشار روانی و خلق عمومی به ترتیب ضرایب پایایی ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۵۶، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ حاصل شد.

۲- آزمون خلاقیت هیجانی

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، خلاقیت هیجانی توانایی تجربه و بیان نوین (بدیع) و مؤثر ترکیبی از هیجان‌ها است. آوریل و توماس نولز (۱۹۹۱) در سنجش خلاقیت هیجانی چهار

ملاک را در نظر گرفته‌اند: ۱) نوآوری^۱، عبارت است از تنوعی از هیجان‌های معمول و خلق هیجان‌های جدید که خاص خود فرد است. (برای مثال، من ترکیبی از هیجان‌ها را احساس کرده‌ام که سایر افراد احتمالاً هرگز تجربه نکرده‌اند). ۲) اثربخشی^۲، عبارت است از تناسب هیجان با موقعیت یا سودمندی پیامدهای آن برای فرد یا گروه (برای مثال، به گونه‌ای هیجان‌های خود را تجربه و بیان می‌کنم که به روابط با دیگران کمک می‌کند). ۳) اصالت^۳، عبارت است از بیان صادقانه تجربه‌ها و ارزش‌های خود (برای مثال، واکنش‌های هیجانی من دقیقاً احساسات درونی من را منعکس می‌کند) و ۴) آمادگی^۴، عبارت است از درک فرد از هیجان‌ها و اشتیاق برای کشف هیجان‌ها (برای مثال، من درباره واکنش‌های هیجانی‌ام فکر می‌کنم و سعی می‌کنم آنها را درک کنم).

چهار ملاک مذکور در چارچوب سه خرده مقیاس آمادگی (P)، نوآوری (N)، اثربخشی / اصالت (E/A) در آزمون خلاقیت هیجانی سنجیده می‌شود. این آزمون حاوی ۳۰ گویه است، که در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند (آوریل، ۱۹۹۹).

پاسخ دهنده به هنگام پاسخگویی به ۳۰ گویه پرسشنامه باید در بیان احساسات و تجربه هیجان‌ها و اندیشه، خود را با یک فرد معمولی مقایسه کند و گزینه (۵) را هنگامی علامت بزند که گویه درباره او کاملاً صدق می‌کند و گزینه (۱) را هنگامی علامت بزند که شدیداً مخالف گویه است یا به عبارتی درباره او صدق نمی‌کند. از ۳۰ گویه مذکور ۷ مورد به آمادگی هیجانی، ۱۴ مورد به نوآوری، ۵ مورد به اثربخشی و ۴ مورد به اصالت مربوط می‌شود و ۲ مورد از ۳۰ گویه آزمون به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

آوریل و گات بزال (۱۹۹۶) ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برآورد کردند و در این پژوهش پایایی کل آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های آمادگی (P) ۰/۶۴، نوآوری (N) ۰/۸۵ و اثر بخشی / اصالت (E/A) ۰/۷۱ برآورد شد.

-
1. Novelty
 2. Effectiveness
 3. Authenticity
 4. Preparedness

۳- مقیاس رفتار اندیشه پردازای رانکو^۱

رانکو و همکاران (۲۰۰۱) مقیاس رفتار اندیشه‌پردازای رانکو را برای سنجش خلاقیت تدوین کردند. این مقیاس از آن جهت رفتاری خوانده می‌شود که از آزمودنیها پرسش می‌شود به چه میزان فکر می‌کنند ۲۳ گویه مورد نظر در مقیاس، رفتار آشکار واقعی آنها را منعکس می‌کند. رانکو و همکاران (۲۰۰۱) معتقد هستند اندیشه‌ها فرآورده‌های تفکر اصیل، واگرا و حتی خلاق و رفتار نشان‌دهنده استفاده فرد از اندیشه‌ها و درک آن است. در واقع این آزمون به دنبال ارزیابی آن است که یک فرد به چه میزان به خلق اندیشه‌ها در موقعیت‌های روزمره زندگی، نه در شرایط آزمایشگاهی، مبادرت می‌ورزد (آمس^۲ و رانکو، ۲۰۰۵). برای مثال، «من از بازیهای فکری که مستلزم فکر کردن و حل مسأله است، لذت می‌برم»، «من اغلب بینش‌هایی درباره راه‌های جدید و بهتر انجام دادن امور دارم» و «من با اندیشه‌ها یا راه‌حل‌هایی مواجه می‌شوم که سایر افراد هرگز به آنها فکر نکرده‌اند». ۲۳ گویه مورد نظر در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت در دامنه ۱ (هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) تنظیم شده‌اند. در نسخه جدید و تجدید نظر شده ۶ مورد از مجموع گویه‌های مقیاس به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

رانکو و همکاران (۲۰۰۱) و پلاکر و همکاران، (۲۰۰۶) برای این آزمون ضریب پایایی ۰/۹۰ را با استفاده از روش آلفای کرونباخ گزارش کردند. در این پژوهش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

روش تحلیل آماری

در تحلیل داده‌ها شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی، تحلیل واریانس، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون همزمان به کار رفته است.

-
1. Runco Ideational Behavior Scale
 2. Ames

یافته‌های پژوهش

جداول (۱)، (۲) و (۳) میانگین و انحراف معیار نمره‌های دانشجویان را، به تفکیک رشته‌های تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه، در متغیرهای هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمره‌های در مؤلفه‌های هوش هیجانی

رشته	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
هنر	مهارت درون فردی	۱۰۴/۰۰	۱۴/۸۶
	مهارت بین فردی	۷۰/۷۸	۸/۶۵
	مهارت انطباقی	۵۸/۹۱	۶/۹۰
	کنترل فشار روانی	۳۶/۸۱	۹/۰۶
	خلق عمومی	۴۳/۸۸	۶/۱۹
	کل	۳۱۴/۴۰	۳۵/۱۶
ادبیات	مهارت درون فردی	۱۰۷/۳۴	۱۳/۷۶
	مهارت بین فردی	۷۵/۴۵	۲۶/۱۶
	مهارت انطباقی	۵۹/۹۶	۸/۳۳
	کنترل فشار روانی	۳۵/۸۵	۸/۱۶
	خلق عمومی	۴۳/۶۸	۷/۵۷
	کل	۳۲۲/۳۱	۴۴/۳۴
علوم پایه	مهارت درون فردی	۱۰۴/۸۰	۱۲/۶۱
	مهارت بین فردی	۷۳/۵۷	۷/۸۰
	مهارت انطباقی	۵۹/۵۹	۷/۰۰
	کنترل فشار روانی	۳۵/۴۹	۶/۷۱
	خلق عمومی	۴۴/۶۳	۶/۸۵
	کل	۳۱۸/۰۹	۲۹/۹۶

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمره‌ها در مؤلفه‌های خلاقیت هیجانی

رشته	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
هنر	N	۴۷/۸۰	۹/۲۲
	E/A	۳۱/۷۵	۲۲/۱۸
	P	۲۴/۹۵	۳/۸۲
	کل	۱۰۴/۵۰	۲۵/۳۴
ادبیات	N	۴۵/۰۸	۹/۲۰
	E/A	۲۷/۷۸	۵/۶۲
	P	۲۳/۸۳	۴/۴۴
	کل	۹۶/۷۰	۱۴/۹۲
علوم پایه	N	۴۵/۱۶	۸/۸۸
	E/A	۲۸/۰۰	۴/۵۳
	P	۲۴/۲۴	۳/۷۴
	کل	۹۷/۴۰	۱۳/۹۶

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمره‌های خلاقیت

رشته	میانگین	انحراف معیار
هنر	۷۸/۹۵	۱۲/۱۶
ادبیات	۷۶/۵۰	۱۲/۹۸
علوم پایه	۷۴/۴۲	۱۰/۷۰
کل	۷۶/۶۲	۱۲/۰۵

داده‌های حاصل از نمره‌های هوش هیجانی نشان می‌دهد میانگین هوش هیجانی دانشجویان گروه ادبیات (۳۲۲/۳۱) در مقایسه با میانگین هوش هیجانی دو گروه تحصیلی هنر (۳۱۴/۴۰) و علوم پایه (۳۱۸/۰۹) در سطح بالاتری است. مقایسه میانگین‌ها در هر یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی در گروه‌های تحصیلی مذکور نشان می‌دهد میانگین مهارت درون فردی و مهارت بین فردی در گروه ادبیات نسبت به دو گروه هنر و علوم پایه بیشتر است. مهارت انطباقی در بین سه گروه با اختلاف یک نمره تقریباً برابر بوده است، اما درباره کنترل

فشار روانی نتایج نشان می‌دهد بالاترین میزان کنترل روانی در گروه هنر، با مقدار عددی ۳۶/۸۱ است و میانگین خلق عمومی با تفاوت بسیار اندک در گروه تحصیلی علوم پایه در سطح بالاتری قرار دارد.

داده‌های حاصل از نمره‌های خلاقیت هیجانی نشان می‌دهد در مقایسه با میانگین گروه تحصیلی ادبیات (۹۶/۷۰) و گروه تحصیلی علوم پایه (۹۷/۴۰) میانگین خلاقیت هیجانی گروه تحصیلی هنر (۱۰۴/۵۰) در سطح بالاتری است. در خرده مؤلفه‌های نوآوری، اثر بخشی / اصالت و آمادگی نیز میانگین گروه هنر در مقایسه با دو گروه دیگر در سطح بالاتری قرار دارد. در ارتباط با نمره‌های خلاقیت مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد گروه هنر (۷۸/۹۵) در مقایسه با گروه ادبیات (۷۶/۵۰) و علوم پایه (۷۴/۴۲) بالاترین میانگین را در خلاقیت دارند.

سؤال ۱) آیا میان دانشجویان رشته‌های هنر، ادبیات و علوم پایه در هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت تفاوت وجود دارد؟

همانطور که در جدول (۴) نشان داده شده است، با توجه سطح معنی‌داری حاصل از آزمون F به منظور بررسی تفاوت گروه‌ها در هوش هیجانی ($P < ۰/۴۹$) می‌توان گفت بین سه گروه تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه در هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس نمره‌های هوش هیجانی سه گروه تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه

منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۹۰۷/۰۹	۲	۹۵۳/۵۴	۰/۹۶۸	۰/۴۹۹
درون گروهی	۲۴۶۰۴۷/۲۴	۱۸۰	۱۳۶۶/۹۲		
جمع	۲۴۷۹۵۴/۳۳	۱۸۲			

داده‌های حاصل در خصوص تفاوت گروه‌های تحصیلی در نمره‌های خلاقیت هیجانی که در جدول (۵) نشان داده شده است، حاکی از آن است تفاوت در میانگین نمره‌های خلاقیت هیجانی گروه‌های تحصیلی مورد مطالعه در سطح $p < ۰/۰۵$ و $F(۳/۲۱۶)$ معنادار است.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس نمره‌های خلاقیت هیجانی سه گروه تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه

منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
بین گروهی	۲۲۷۲/۷۵	۲	۱۱۳۶/۳۷	۳/۲۱۶	۰/۰۴۲
درون گروهی	۶۳۶۰۰/۶۸	۱۸۰	۳۵۳/۳۳		
جمع	۶۵۸۷۳/۴۴	۱۸۲			

به منظور تعیین اینکه میانگین کدام گروه نسبت به کدام یک از گروه‌های دیگر تفاوت معنادار دارد از آزمون تعقیبی دانکن^۱ استفاده شد. نتایج آزمون تعقیبی دانکن که در جدول (۶) نشان داده شده است، حاکی از آن است میانگین نمره‌های خلاقیت هیجانی گروه هنر در سطح $P < ۰/۰۵$ از میانگین نمره‌های دو گروه ادبیات و علوم پایه بالاتر است، اما بین دو گروه ادبیات و علوم پایه به دلیل سطح معنی داری حاصل $P < ۰/۸۳$ تفاوت معنی دار وجود ندارد.

جدول ۶: آزمون تعقیبی دانکن مقیاس خلاقیت هیجانی در گروه‌های تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه

گروه	فراوانی	با در نظر گرفتن آلفای ۰/۰۵
هنر	۶۱	I
ادبیات	۶۱	۱
علوم پایه	۶۱	۹۶/۷۰
سطح معنی داری		۹۷/۴۰
		۰/۸۳۶

یافته‌های حاصل از مقایسه میانگین خلاقیت گروه‌های مورد مطالعه، ارائه شده در جدول (۷)، نشان می‌دهد $F(۲/۱۸۳)$ در سطح $P < ۰/۱۱$ معنی دار است. چون سطح معنی داری حاصل از سطح معنی داری $۰/۰۵$ بزرگتر است بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت بین سه گروه مذکور در خلاقیت تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس نمره‌های خلاقیت سه گروه تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه

منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
بین گروهی	۶۲۵۷۹	۲	۳۱۲/۸۹	۲/۱۸۳	۰/۱۱۶
درون گروهی	۲۳۷۰/۲۷	۱۸۰	۱۴۳/۳۳		
جمع	۲۵۹۹۶/۰۶	۱۸۲			

سؤال ۲) آیا بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه وجود دارد؟

به منظور بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی و متعاقباً رگرسیون خلاقیت بر هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی ابتدا ضرایب همبستگی بین نمره‌های کل متغیرها و سپس همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در کل گروه نمونه (۱۸۳ نفر) محاسبه شد. داده‌های حاصل حاکی از آن است که بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی همبستگی معنی دار، اما نسبتاً ضعیفی ($r=0/24$) وجود دارد. خلاقیت و هوش هیجانی همبستگی معنی داری را نشان نداده‌اند ($r=0/06$)، در حالیکه همبستگی بین خلاقیت هیجانی و خلاقیت ($r=0/40$) متوسط است. (داده‌های مذکور در جدول ۸ ارائه شده است).

جدول ۸: ماتریس همبستگی بین هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در کل نمونه

خلاقیت	خلاقیت هیجانی	هوش هیجانی	
		۱	هوش هیجانی
	۱	** ۰/۲۴	خلاقیت هیجانی
۱	** ۰/۴۰	۰/۰۶	خلاقیت

** $P < 0/01$ * $P < 0/05$

در رابطه با همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی داده‌های حاصل نشان می‌دهد (جدول ۹) بین مؤلفه‌های مهارت درون فردی، انطباقی و خلق عمومی هوش هیجانی با مؤلفه اثر بخشی / اصالت (E/A) خلاقیت هیجانی همبستگی معنی دار و ضعیفی ($r=0/19$) وجود دارد، اما بین کنترل فشار روانی و مهارت بین فردی هوش هیجانی و بعد اثربخشی / اصالت (E/A) خلاقیت هیجانی همبستگی معنی داری وجود ندارد ($r=0/12$ ، $r=0/04$).

در ارتباط با ابعاد نوآوری (N) و آمادگی (P) و همبستگی آن‌ها با مؤلفه‌های هوش هیجانی داده‌ها حاکی از آن است بین نوآوری خلاقیت هیجانی با مؤلفه‌های مهارت درون فردی ($r=0/14$)، مهارت بین فردی ($r=0/03$)، انطباقی ($r=-0/03$) و کنترل فشار روانی ($r=0/04$) هوش هیجانی رابطه وجود ندارد، اما بین نوآوری و خلق عمومی هوش هیجانی همبستگی معنی‌دار ($r=0/19$) وجود دارد. با استثنای مهارت بین فردی و کنترل فشار روانی هوش هیجانی، مؤلفه‌های مهارت درون فردی ($r=0/24$)، انطباقی ($r=0/21$) و خلق عمومی ($r=0/31$) با ابعاد آمادگی خلاقیت هیجانی همبستگی معنی‌دار دارند.

جدول ۹: ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در کل نمونه

P	N	E / ۱۹	خلاقیت هیجانی هوش هیجانی
۰/۲۴**	۰/۱۴	۰/۱۹**	مهارت درون فردی
۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۲	مهارت بین فردی
۰/۲۱**	-۰/۰۳	۰/۱۸**	مهارت انطباقی
۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۰۴	کنترل فشار روانی
۰/۳۱**	۰/۱۹**	۰/۱۹**	خلق عمومی

** ۰/۰۱ < P < * ۰/۰۵ < P

۳) هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی چه مقدار از خلاقیت را تبیین می‌کنند؟

تحلیل رابطه هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی دانشجویان نشان می‌دهد (جدول ۱۰) F حاصل (۱۷/۳۴) در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان خلاقیت را از هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی پیش‌بینی کرد. مقدار ضریب همبستگی $R = 0/40$ نشان می‌دهد همبستگی متوسط بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی با متغیر خلاقیت را دو متغیر مذکور تبیین می‌کند، اما ضریب همبستگی $t (5/83)$ نشان می‌دهد فقط بین متغیر خلاقیت هیجانی و خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد. میزان رگرسیون این رابطه $0/41$ است، یعنی می‌توان نتیجه گرفت که به جای هر واحد تغییر در خلاقیت هیجانی به میزان ۴۱ واحد در میزان خلاقیت تغییر ایجاد خواهد شد و از آنجا که رابطه مثبت است می‌توان گفت، که با افزایش متغیر خلاقیت هیجانی میزان خلاقیت نیز افزایش پیدا خواهد کرد. ضریب خط رگرسیون به این

ترتیب برآورد می‌شود: $Y = \beta_1x_1 + \beta_2x_2$ به عبارت دیگر (خلاقیت هیجانی) $+0/41$ (هوش هیجانی) $-0/04 =$ خلاقیت.

جدول ۱۰: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون خلاقیت بر هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی

شاخص مدل	SS	df	MS	F	P	R	R ²	SE
رگرسیون	۴۲۶۰/۲۰	۲	۲۱۳۰/۱۰	۱۷/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰۵	۰/۱۶۴	۱۱/۰۸
باقیمانده	۲۱۷۳۵/۸۶	۱۷۷	۱۲۲/۸۰					

شاخص متغیر	B	SEB	Beta	t	P
هوش هیجانی	-۰/۰۱۴	۰/۲۳	-۰/۰۴۲	-۰/۵۹۲	۰/۵۵۴
خلاقیت هیجانی	۰/۲۶	۰/۰۴۵	۰/۴۱۳	۵/۸۳۲	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه انجام شده است. یکی از یافته‌های پژوهش نبود تفاوت معنی‌دار بین سه گروه تحصیلی مذکور در هوش هیجانی بوده است. در تبیین یافته حاصل می‌توان گفت به رغم تفاوت محتوایی رشته‌های تحصیلی مورد پژوهش پیشینه مشابه آموزشی دانشجویان در نظام‌های آموزشی به ویژه نظام آموزش و پرورش کشور در ارتباط با کسب مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند به عنوان یک احتمال در نظر گرفته شود. بعلاوه، از آنجائیکه آزمودنی‌های مورد مطالعه در هر گروه تحصیلی با میانگین سنی ۲۱-۲۰ سال بوده‌اند می‌توان گفت رده سنی مشابه نیز در نبود تفاوت معنی‌دار نمره‌های آن‌ها در هوش هیجانی نقش دارد.

در خصوص تفاوت معنی‌دار گروه تحصیلی هنر در مقایسه با گروه‌های تحصیلی ادبیات و علوم پایه در خلاقیت هیجانی می‌توان به مقتضیات و ماهیت محتوایی این رشته تحصیلی در تبیین تفاوت‌ها اشاره کرد. رشته تحصیلی هنر به واسطه الزامات آن در بیان و درک احساسات

و هیجانان به منظور ارائه عملکرد هنری می‌تواند بستر مناسب‌تری در بیان خلاق هیجانان باشد. این یافته در راستای بحث‌های نظری آوریل، توماس نولز، (۱۹۹۱)، بارون و هرینگتون^۱، (۱۹۸۱) به نقل از ایوچویک و همکاران، (۲۰۰۷)؛ و فیست و بارون، (۲۰۰۳) است.

در تبیین نداشتن تفاوت معنی‌دار گروه‌های مورد مطالعه در خلاقیت می‌توان به یافته‌های پژوهش از دو جنبه توجه کرد. فیست (۱۹۹۹) بیان می‌کند حیطه‌های هنر و ادبیات برای خلاقیت‌های هنری و حیطه علوم برای خلاقیت علمی بستری مناسب است. لذا هر سه حیطه مذکور با توجه به ماهیت محتوایی آن می‌تواند با خلاقیت پیوند داشته باشد.

از سوی دیگر طبق رویکرد نظام‌های^۲ سیگزنتمیهای^۳ (۱۹۹۹) خلاقیت علاوه بر پدیده روان‌شناختی بودن یک رخداد اجتماعی و فرهنگی نیز است. صرف نظر از ماهیت رشته‌های تحصیلی متفاوت نبودن گروه‌ها در خلاقیت نیز می‌تواند از بستر اجتماعی - فرهنگی مشترک و الزامات آن در پرورش و بروز خلاقیت تأثیر پذیرفته باشد.

در تحلیل همبستگی بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی یافته‌ها نشان داده است، بین نمره کلی هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی گروه نمونه به طور کلی همبستگی ضعیفی وجود دارد. این یافته به نوعی با یافته‌های ایوچویک و همکاران (۲۰۰۷) همسوست. براساس بحث‌های نظری (آوریل، ۲۰۰۵) همبستگی پایین بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی به تفاوت فرآیندهای شناختی این دو توانایی و معیارهای مورد استفاده در ارزیابی آن‌ها بستگی دارد.

طبق دیدگاه آوریل (۱۹۹۹) تجربه یک هیجان و ترکیب مجموعه‌ای از هیجانان متضاد در ارائه یک پاسخ هیجانی مؤثر و مناسب بدون آنکه با حل مسئله همراه باشد می‌تواند یک پاسخ هیجانی خلاق در نظر گرفته شود.

تحلیل همبستگی درونی ابعاد هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی نشان دهنده همبستگی ضعیف برخی مؤلفه هاست. مهارت درون فردی با ابعاد اثربخشی / اصالت (E/A) و آمادگی (P) خلاقیت همبستگی ضعیف، اما معنی‌دار ($P < 0/01$) دارد. به نظر می‌رسد تلاش برای درک هیجانان و بیان

-
1. Baron & Harington
 2. Systems approach
 3. Csikszentmihalyi

آن به شکل عمیق و واقعی، ارزش گذاردن به هیجان‌ها و احساسات خود و توجه و تأثیر واکنش‌های هیجانی خود و دیگران به نوعی می‌تواند با خود آگاهی هیجانی، عزت نفس، بیان احساسات و عقاید خود مرتبط باشد، که از خرده مقیاس‌های مهارت درون فردی است. مضاف بر اینکه این توانایی‌ها و مهارت‌ها می‌تواند با قدرت انطباق فرد با موقعیت‌ها در ارتباط باشد. این یافته در راستای بحث نظری آوریل و توماس نولز، (۱۹۹۱) مبنی بر نقش آمادگی و آگاهی هیجانی در ارائه پاسخ‌های مؤثر و کارآمد به موقعیت‌ها و مقابله با شرایط جدید است. هیچیک از دو مؤلفه مذکور (مهارت درون فردی و انطباقی) در هوش هیجانی با خلق پاسخ‌های هیجانی غیرمعمول و بیان احساسات و عقاید خود به شکلی غیرمتعارف (نوآوری) همبستگی معنی‌دار نشان نداده است. طبق دیدگاه آوریل (۱۹۹۹) به نقل از فوکس، کامار و پرتز، (۲۰۰۷) بیان خلاقانه هیجان‌ها به منظور تأمین نیازهای درون فردی و انطباق با موقعیت‌ها در بالاترین سطح آن مستلزم تغییر در باورها و قواعد شکل دهنده هیجان‌ها است که این بیان خلاق طبق دیدگاه ساختن‌گرایی اجتماعی^۱ از بافت اجتماعی - فرهنگی جامعه متأثر است. لذا با توجه به غلبه فرهنگ (نسبتاً) جمع‌گرای در جامعه ما، افراد به بیان هیجان‌ها و احساسات و ابراز خود به شکلی نوین کمتر اقدام می‌کنند و به نوعی سازگاری و انطباق را با هم‌رنگی با قواعد و هنجارهای مقبول جامعه مترادف می‌دانند.

تحلیل همبستگی درونی مؤلفه‌های هوش هیجانی و اخلاقیات هیجانی حاکی از همبستگی سه بعد اخلاقیات هیجانی با خلق عمومی است. این یافته با بحث‌های نظری و پژوهشی (گلمن، ۱۳۸۳؛ فوکس و همکاران، ۲۰۰۷ و آوریل ۲۰۰۲) همسوست. خلق مثبت افزایش آگاهی نسبت به خود و افزایش انعطاف‌پذیری تفکر را موجب می‌شود که بالطبع می‌تواند در بیان خلاق و اصیل هیجان‌ها دخالت داشته باشد. با توجه به همبستگی بالای اخلاقیات و اخلاقیات هیجانی (فوکس و همکاران، ۲۰۰۷؛ آوریل، ۲۰۰۵؛ آوریل و توماس نولز، ۱۹۹۱ و ایوچویک و همکاران، ۲۰۰۷) و ویژگی‌های شخصیتی افراد خلاق مانند انزوطلبی^۲، غیر صمیمی، غیر اجتماعی^۳، ناهم‌رنگی با هنجارها و قواعد متعارف، خودمحوری (فیست، ۱۹۹۹) به نظر می‌رسد فقدان همبستگی اخلاقیات هیجانی با مهارت بین فردی که مستلزم مسئولیت

-
1. Social constructivist
 2. Aloofness
 3. Asocial

پذیری، دغدغه جهت حفظ روابط میان فردی، همدلی و صمیمیت است از مقتضیات خلاقیت هیجانی، ناشی باشد. رها شدن از الزامات و استانداردها و بیان هیجان‌ها به صورت اصیل و بدیع می‌تواند با گسست عاطفی در روابط اجتماعی همراه باشد، اما در عین حال توجه به این نکته ضروری است آمادگی هیجانی (P) و ارائه پاسخ‌های مؤثر و کارآمد (E) به موقعیت‌ها خود می‌تواند پیش زمینه‌ای برای روابط میان فردی باشد. به این دلیل تبیین دقیق‌تر (فقدان) همبستگی این مؤلفه‌ها مستلزم مطالعات بیشتر است.

در خصوص نبود همبستگی بین کنترل فشار روانی هوش هیجانی و ابعاد خلاقیت هیجانی به نظر می‌رسد در مقایسه با خلاقیت هیجانی عامل‌هایی چون کیفیت فرآیند جامعه‌پذیری در کسب مهارت‌های خود تنظیمی هیجانی و سبک‌های مقابله و ریسک‌شناختی در کنترل فشار روانی سال‌های پایانی نوجوانی یعنی ۱۸-۲۵ سالگی (آرنت، ۲۰۰۷) اهمیت بالاتری داشته باشند.

یافته‌های مرتبط با رگرسیون خلاقیت بر هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی حاکی از آن است برخلاف هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی به عنوان یک متغیر پیش‌بین می‌تواند تغییر در خلاقیت را پیش‌بینی کند.

کسب نمره بالا در هوش هیجانی مستلزم لحاظ کردن ملاک‌ها و معیارهایی برای درستی واکنش‌ها و پاسخ‌های هیجانی است لذا این امر می‌تواند محدودیت‌هایی در اصالت پاسخ‌های هیجانی بالطبع خلاقیت را موجب شود. به بیان خلاق هیجان‌ها و استفاده از آن‌ها، به صورت غیرمتعارف در آزمون‌های هوش هیجانی تأکید و سنجش نمی‌شود. به این سبب آنچه که توسط آزمون‌های هوش هیجانی سنجیده می‌شود احتمالاً با خلاقیت مورد سنجش در آزمون‌های خلاقیت همبستگی نشان نمی‌دهد (آوریل، ۲۰۰۵). در حالیکه بیان بدیع و اصیل هیجان‌ها که خود را در خلاقیت هیجانی نمایان می‌کند می‌تواند شکل‌گیری تجربه‌ای را موجب شود که زمینه را برای کارهای اصیل، بدیع و خلاقیت‌های فرد به طور کلی فراهم کند. به این دلیل همبستگی بین خلاقیت هیجانی و خلاقیت در اندیشه‌پردازی و رفتار محتمل به نظر می‌رسد.

در مجموع در این مطالعه تفاوت دانشجویان در گروه‌های تحصیلی هنر، ادبیات و علوم پایه در هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت و چگونگی همبستگی این سه متغیر بررسی شده است.

تحلیل یافته‌های پژوهش حاکی از آن است پیشینه آموزشی مشابه در نظام آموزشی در خصوص چگونگی پرورش مهارت‌های مرتبط با هوش هیجانی و گروه سنی مشابه آزمودنی‌ها در گروه‌های تحصیلی مورد مطالعه می‌تواند در نداشتن تفاوت معنی‌دار میانگین نمره‌ها دخالت داشته باشد. تحلیل یافته‌های خلاقیت نیز حاکی از نداشتن تفاوت معنی‌دار گروه‌های مورد مطالعه است. خلاقیت همچون سایر پدیده‌های شناختی توسط فرهنگ کلان جامعه چارچوب بندی می‌شود، لذا مقتضیات فرهنگی جامعه در جهت تسهیل یا بازدارندگی اندیشه‌های خلاق و نوین می‌تواند در شکل بندی و ظهور خلاقیت تأثیر گذار باشد. به این سبب به تجربه‌های آموزشی مشابه آزمودنی‌ها در بافت‌های آموزشی مختلف در خصوص چگونگی پرورش خلاقیت و ماهیت رشته‌های مذکور، به لحاظ فراهم کردن بستری برای بروز خلاقیت‌های هنری و علمی، در تبیین نداشتن تفاوت معنی‌دار نمره‌های آزمودنی‌ها توجه شود. به رغم نداشتن تفاوت معنی‌دار آزمودنی‌ها در هوش هیجانی و خلاقیت تفاوت معنی‌دار گروه تحصیلی هنر با دو گروه تحصیلی ادبیات و علوم پایه می‌تواند از ویژگی‌های محتوایی رشته هنر در ایجاد آمادگی برای بیان خلاق هیجان‌ناشی شده باشد. همچنین یافته‌های پژوهش حاکی از ماهیت (تقریباً) مستقل سازه هوش هیجانی از خلاقیت هیجانی و خلاقیت بواسطه فرآیندهای ذهنی متفاوت - تفکر همگرا و تفکر واگرا - است.

از آنجا که این پژوهش بر دانشجویان دوره کارشناسی رشته هنر و رشته‌های ادبیات و علوم پایه انجام شده است، یافته‌های پژوهش به جامعه آماری حاضر محدود است. لذا به منظور گسترش و تعمیم یافته‌ها اجرای پژوهش در رده‌های سنی و گروه‌های تحصیلی مختلف و بررسی تفاوت جنسیت در این زمینه ضروری است. علاوه بر این، لازم است در پژوهش‌های آینده به منظور افزایش عمق و دقت مطالعه به منظور سنجش هوش هیجانی و خلاقیت از ابزارهایی چون موقعیت‌های باز مسأله‌مدار هیجانی برای بررسی نقش هیجان‌ناشی و خلق آن‌ها در ارائه پاسخ‌های مؤثر و بدیع استفاده شود. همچنین در بررسی خلاقیت نیز می‌توان علاوه بر آزمون‌های خود گزارشی^۱ از آزمون‌های عملکردی^۲ به منظور سنجش خلاقیت بهره‌جست. به‌طور یقین انجام دادن پژوهش‌هایی از این قبیل می‌تواند برای ترغیب نظام‌های آموزشی در لحاظ کردن رشد مهارت‌ها و توانایی‌های هیجانی و بیان آن‌ها برای تسهیل فعالیت‌های شناختی تلویحات آموزشی مؤثر باشد.

-
1. Self-report
 2. Performance

منابع

- امینی‌ها، آ، (۱۳۸۴). *رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- برندک، م، (۱۳۸۳). *بررسی سودمندی یک برنامه آموزش مهارت‌های عاطفی و اجتماعی در افزایش هوش عاطفی دانش‌آموزان دبیرستانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهرا.
- دلاور، علی، (۱۳۸۰). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، رشد.
- گلمن، د، (۱۳۸۳). *هوش هیجانی*، ترجمه نسرين پارسا، تهران، رشد.
- Ames, M & Runco, M. A, (2005). Predicting entrepreneurship from ideation and divergent thinking, *Creativity and innovation Management*, 14, 311-315.
- Arnett, J.J, (2007). Socialization in Emerging Adulthood. In J. Grusec, P.D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization* (pp. 208-231), Guilford.
- Averill, J. R, (1999). Individual differences in emotional creativity: Structure and correlates, *Journal of personality*, 67, 331-371.
- Averill, J.R, (2002). Emotional creativity: "Toward spiritualizing the passions." In C.R.Snyder & S.J.Lopez (Eds.), *Handbook of Positive Psychology* (pp.172-185), New York : Oxford University.
- Averill, J. R, (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. In J. Kaufman & J. Baer (Eds.), *Creativity across domains: Faces of the muse*, (pp. 225-243), Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Averill, J. R, (2007). Together again: Emotion and intelligence reconciled. In G. Matthews, M. zeidner, & R. D. Roberts, (Eds.), *Emotional intelligence: Knowns and unknowns* (pp. 49-71), New York, Oxford University.
- Averill, J. R & Thomas – Knowles, C, (1991). Emotional creativity. In K. T. Strongman (Eds.), *International review of studies on emotion*, vol 3. pp. 269-299. London, Wiley.
- Brackett, M. A & Katulak, N. A, (2007). Emotional intelligence in the classroom: Skill-based training for teachers and students. In J. Ciarrochi and J. D. Mayer (Eds.), *Applying emotional intelligence*, (pp. 1-27), Psychology.
- Csikszentmihalyi, M, (1999). Implications of a systems perspective for the study of creativity. In R.J. Sternberg (Eds.), *Handbook of creativity* (pp. 313-335), Cambridge University.
- Feist, G. J, (1999). The influence of personality on artistic and scientific creativity. In R.J. Sternberg (Eds.), *Handbook of Creativity*. (pp.273-296) Cambridge University.
- Feist, G. J & Barron, F. X, (2003). Predicting creativity from early to late adulthood: Intellect, potential, and personality, *Journal of Research in*

Personality. 37, 62-88.

- Fuchs, G. L, Kumar, V. K & Porter, J, (2007). Emotional creativity, Alexithymia, and styles of creativity, *Creativity Research Journal*, 19, 233-245.
- Gutbezahl, J & Averill, J. R, (1996). Individual differences in emotional creativity as manifested in words and pictures, *Creativity Research Journal*, 9, 327-337.
- Hedlund, J & Sternberg, R. J, (2000). Too many intelligences? In R. Bar-On and J.D.A. Parker (Eds.), *The Handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace*, (pp. 136-167), San Francisco, Jossey-Bass.
- Ivcevic, Z, Brackett, M. A & Mayer, J. D, (2007). Emotional intelligence and emotional creativity, *Journal of Personality*, 75, 199-235.
- Mayer, J. D, Salovey, P & Caruso, D. R, (2004). Emotional intelligence: findings, and implications, *Psychological Inquiry*, 15, 197-215.
- Plucker, J. A, Runco, M. A & Lim, W, (2006). Predicting ideational behavior from divergent thinking and discretionary time on task, *Creativity Research Journal*, 18, 55-63.
- Runco, M. A, (in press). *Divergent ideation and creative thinking*, Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Runco, M. A, Plucker, J. A & Lim, W, (2001). Development and psychometric integrity of a measure of ideational behavior, *Creativity Research Journal*, 13, 393-400.
- Sternberg, R.J & O'hara, L.A, (1999). Creativity and Intelligence. In R.J. Sternberg (Eds.), *Handbook of Creativity* (pp.251-272), New York, Cambridge University.